

پاسخ به «بیانیه» ای مدافعین یک سند اپورتونیستی!

چندین ماه قبل یک نوشته (803) صفحه ای دستنویس تحت عنوان "جنبش انقلابی پرولتاریا و بوالهوسی های روشنفکران خرده بورژوا" توسط یکی از رفقای جنبش انقلابی پرولتری کشور بما رسید. ما در این اواخر نوشته مزبور را مورد نقد و بررسی قرار داده و بتاريخ 7 مارچ 2010 در سایت "پیام آزادی" به نشر سپردیم. و بتاريخ 11 مارچ 2010 «بیانیه» ای تحت عنوان «به پیشواز جنبش!» بامحتوای مشخص آن (که بعداً بآن خواهیم پرداخت) از جانب جمعی از اعضای به اصطلاح "جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع- افغانستان" در دفاع از نوشته ای مزبور و حمله بر نقد اصولی ما در سایت «بابا» به نشر رسید. ما گرچه در ابتدا تصمیم نداشتیم که به پاسخ نویسندگان این "بیانیه" که به دفاع از اپورتونیسم برخاسته اند، بپردازیم؛ زیرا ماهیت نقد اصولی ما خود پاسخی به "بیانیه نویسان" است، بآنهم خواستیم تا ماهیت فکری و سیاسی آنها را که در "بیانیه" شان بوضوح متباز است، آشکارتر سازیم.

در اینجا از لفاظیها و افسانه گوئیهای که نویسندگان این «بیانیه» (و بهتر است آنرا "دفاعیه" بنامیم) که بگذریم؛ واقعیت اینست که نه همان دوستی که این "نوشته" را بما ارسال کرد در زمانش یادآوری نمود که این نوشته «خاکه و یا خامه نویس» است و نه هم در طی این چندین ماه ما چنین خبری را شنیده ایم. همینکه یکی از همین «بیانیه نویسان» توسط همان رفیقی که نوشته را در دسترس ما قرار داده بود، در رابطه به نقد این "نوشته" و اقدام به نشر آن در جریان قرار گرفت؛ تلفی باما تماس گرفته و درباره محتوی نوشته مذکور چیزها گفت و در آن وقت موافقت خود را با این نقد ابراز داشته و اصولاً آنرا پذیرفته و گفت که امید است هرچه زودتر به نشر سپرده شده و ما آنرا مطالعه نماییم. همچنین او در ضمن گفت که نشر نوشته اصلی (یعنی نوشته 803 صفحه ای) فعلاً به تعویق انداخته شود. حال دیده می شود که در «بیانیه» ای شان موضوع کاملاً بشکل و مضمون دیگری مطرح شده است. نماینده این "جمع" در صحبت تلفنی درباره ای «خاکه» بودن نوشته حرفی بربان نیاورد. و برخلاف ادعای واهی همین جمع «انقلابی» که به دفاع از نوشته و نویسنده ای آن برخاسته و هرناسزای را که در چانه داشته و لایق خودشان بوده بما که این نوشته را مورد نقد قرار داده و به نشر سپرده ایم حواله کرده اند؛ این نوشته منظم بوده و نویسنده در تمام این نوشته طولانی اش حتی یک مورد هم از اینکه به رفقا و هوادارانش تذکر داده باشد که این نوشته «خامه» است و شما بآن نظر بدهید، وجود ندارد. نویسنده در چندین مورد روی نظریات و مواضع اش در گذشته و حال تاکید کرده و حتی درجایی نوشته است که "در گذشته در برابر نظرات و مواضع ام مهرسنتر نیست و دگماتیست خورده ام و حال اگر مهردیگری هم بخورم باکی ندارم...". این نوشته کلاً بیانگرافکار، نظریات و مواضع "صائب" نویسنده است که بیرون داده است و حیلای «خاکه نویس» بودن این نوشته بعد از انتشار نقد "نوشته" مذکور توسط «بیانیه نویسان» به میان کشیده شده است. برخلاف ادعای پوچ «بیانیه نویسان» این نوشته تراوش مغز نویسنده بوده و تمام داشته های ذهنی اش را بر روی کاغذ ریخته است. او در نوشته اش کمترین مسایل تئوریک پرداخته و بخش اعظم آنرا افکار و نظریات و مواضع او درباره جنبش پرولتری کشور و جنبش بین المللی کمونیستی تشکیل می دهد. بعبارت دیگر نویسنده تاریخ فعالیتهای سیاسی اش را در جریان حدود پنج دهه اخیر برشته تحریر آورده است. و اینکه نویسندگان «بیانیه» مدعی اند که نوشته «خامه» بوده و نویسنده آنرا جهت نظرخواهی برای آنها فرستاده است (و آنها ما را مورد حمله قرار داده اند که گویا ما خلاف واقع یک نوشته «خامه نویس» را مورد نقد قرار داده و به نشر سپرده ایم) هیچگونه واقعیت و ماهیت اصولی ندارد. و باین نظر داشت اینکه نویسنده قصد داشته است تا بار دیگر به همکاری دوستان و هوادارانش (همین جمع «انقلابی») افکار و نظریات انحرافی اش را پخش کند و عده ای را که کماکان از جریان تاریخ چهل سال اخیر جنبش انقلابی پرولتری کشور آگاهی لازم راندارند به گمراهی بکشاند. لذا ما وظیفه خود دانستیم تا ماهیت فکری و سیاسی نویسنده را مورد نقد قرار دهیم. زیرا نویسنده حدود نیم قرن است که با افکار و نظریات و مواضع انحرافی اپورتونیستی و رویونیستی اش یکی از منابع

انحراف و تفرقه افکنی در جنبش انقلابی (م ل م) کشور بوده است. به همین سبب حتی اگر همین جمع «انقلابی» بنا بر دلایل خود آنها بما توصیه می کردند که نقد "نوشته" رابیرون ندهید؛ باز هم اصولیت انقلابی ایجاب می نمود تا محتوای این نوشته در معرض قضاوت جنبش انقلابی پرولتری واقعی کشور قرار دهیم. حال اگر نویسنده و جمع «انقلابی» مدعی اند که این نوشته «خامه نویس» بوده و بفرض نویسنده با محتویات آن موافق نیست و به «صحت نظریات و مواضع اش اطمینان دارد» میتواند نظریات و مواضع غیر از این اشرا «پاک نویس» نموده و در دسترس جنبش انقلابی پرولتری کشور قرار دهد. در آن صورت اگر نظریات و مواضع او "درست و اصولی" بود؛ ما نقد خود را پس گرفته و نظرات و مواضع جدید "اصولی" نویسنده را به او و جمع «انقلابی» اش تبریک خواهیم گفت. همچنین در مورد ادعای «خامه» بودن نوشته: یک نوشته باماهیت اصولی و انقلابی ولو خامه هم باشد حداکثر به لحاظ محتوی؛ از جهت ارایه افکار، نقطه نظرات و مواضع نویسنده آن درباره موضوعات مختلف اصولیت و حقانیت آن مشخص می شود. و امکان دارد که نویسنده در مواردی باثربیتی دقتی دچار اشتباه و یا حتی انحراف جزئی هم بشود. و در خامه نویسیها معمولاً انشاء، ترتیب جمله بندی و پراگراف ها دقت لازم صورت نمی گیرد. در حالیکه در این نوشته همه ملحوظات فوق رعایت شده و نویسنده در مورد صحت نظرات اش اتمام حجت هم کرده است که در فوق تذکریافت. از اینجاست که بمیان کشیدن حیل «خامه نویس» بودن نوشته هم به پوچی بدل می شود. بفرض اگر این نوشته خامه نویس هم می بود؛ و به یقین که اگر نویسنده دیالکتیکی می اندیشید و یا به شیوه دیالکتیک ماتریالیستی به مسایل و قضایا نگاه می نمود و آنرا رهنمون عمل اش قرار می داد، حتی در خامه نویس نوشته هم تا این سرحد دچار گمراهی نمی شد. موضوع دیگر اینکه چگونه است که نویسنده با این قدر ادعا های عریض و طویل در طی بیش از چهل سال هنوز نتوانسته است افکار و نظراتش را درباره جنبش انقلابی پرولتری کشور و جنبش بین المللی کمونیستی انسجام بخشد! در حالیکه خلاف ادعای اخیرشان در طی بیش از چهار دهه به لحاظ ماهیت خط ایدئولوژیک سیاسی و افکار و نظریات نویسنده همین بوده است که در نوشته اخیرش نیز انعکاس یافته است.

در صفحه اول «بیانیه» جمع «انقلابی» چنین می خوانیم: "... رفیق نویسنده در مقابل همواره تاکید نموده است که نوشته اش بعنوان "جنبش انقلابی پرولتاریا..." و در واقع بخشی از یک نوشته 2700 صفحه ای بوده.... افزون بر آن رفیق نویسنده همواره یادآور گردیده که شخص ایشان، آماده پذیرش انتقادات اصولی و رفیقانه بوده و از این امر، همچنان بگرمی و بیایک روحیه رفیقانه استقبال می نماید." اگر واقعاً نویسنده و جمع «انقلابی» مدافع اش راست می گویند و کذب و حقه بازی سیاسی در کار نیست؛ چرا در برابر نقد اصولی ما تا به این حد عکس العمل خصمانه نشان داده اند؟ اگر نویسنده راست می گوید و انتقادات اصولی را پذیرفته و از آن استقبال می نماید؛ کجای انتقادات ما غیر اصولی است، روی آن انگشت گذاشته و آنرا نقد کند. ولی دیده می شود که هم عبارت "جنبش انقلابی پرولتاریا..." و هم انتقادات اصولی و رفیقانه به لحاظ ماهیت آن غیر از آن چیزی است که جنبش انقلابی پرولتری حقیقی کشور از آن استنباط دارد. عبارت دیگر منظور از "جنبش انقلابی پرولتاریا..." مورد نظر نویسنده و اعلامیه نویسان، جنبشی است که در طی بیش از چهار دهه نویسنده و همقماشان اوبه آن تعلق دارند. یعنی جریان سنتریستی و اپورتونیستی که جمع «انقلابی» از آن بدفاع برخاسته اند. و بانشر این اعلامیه بیش از قبل ماهیت خط ایدئولوژیک سیاسی «بیانیه نویسان» خاصاً آقای (اکس) که در طی سالهای اخیر خود را هوادار «جنبش» معرفی می کند، آشکار گردید. البته این موضوع منحصر بفردی نیست، در طول تاریخ پیدایش مارکسیم انقلابی افراد و گروه های مارکسیست کاذب، نیمچه مارکسیست ها و مارکسیست های آماتور بوده و هستند که با انقلابی نمائی، پرحرفی و لفاظی توجه افرادی از روشنفکران خرده بورژوازی را جلب کرده اند. و خشم و برآشفتگی جمع «انقلابی» در برابر نقد اصولی ما، نیز ریشه در تفکر آنها دارد. بنین می گوید: "گروه ها و احزاب سیاسی را نه بر مبنای حرفهای که می زنند بلکه بر مبنای اعمال آنان می توان قضاوت کرد". و اگر این آقایان غیر از این می اندیشیدند، برخورد آنها در برابر محتوای این نوشته باید اصولی و پرولتری می بود. در حالیکه اینها سعی دارند تا ماهرانه چهره اپورتونیستی نویسنده را مخفی نگهداشته و با کلمات و الفاظ پرطمطراق او را «انقلابی» جلوه دهند. همچنین این "جمع" سعی

کرده اند تا در مواردی با موضع‌گیریهایی دوپهلوعمل دفاع از اپورتونیسیم خود را بیوشانند که برای شان ممکن نیست. درحالی‌که یک فرد ویایک گروه واقعاً انقلابی پرولتری؛ انقلابی فکرمی کند، انقلابی عمل می‌کند و انقلابی موضع می‌گیرد و این شیوه را باهیچ یک از شیوه‌ها و باهیچ قیمتی عوض نمی‌کند، و دفاع از حقیقت را به بهانه رعایت «امانت داری» درمخفی کردن یک سند انحرافی سراپا اپورتونیستی و توطئه‌گرانه و تحریف‌کننده حقایق و نافی جنبش انقلابی پرولتری کشور، پیشه نمی‌کند. این آقایان اگر از «تعهد اخلاقی» شان درمخفی نگهداشتند محتوی انحرافی «نوشته» سخن می‌گویند یک مسئله است؛ اما عدم افشای ماهیت انحرافی این «نوشته» از جانب آنها مسئله‌ای دیگری است که بهیچ صورت توجیه پذیر نبوده و اصولیت انقلابی پرولتری آنرا مردود می‌شمارد. این جمع «انقلابی» سعی کرده اند تا با کلمات و مقوله‌های مترقی «بیانیه» شانرا مزین ساخته و افراد ناآگاه را فریب دهند.

در اخیر صفحه اول و آغاز صفحه دوم می‌خوانیم: "رفقای "جمع" انتشاردهنده همین "بیانیه"، به رفیق نویسنده خاطر نشان ساخته اند که به باور آنها، نوشته "جنبش انقلابی پرولتاریا..." در هیئت موجوده خودش، از آنجاییکه تبلور دیدگاه‌ها و مواضع فردی شخص نویسنده پیرامون مسایل گذشته جنبش انقلابی میباشد، بنابراین بویژه برای آنانی که بانویسنده نوشته، پراتیک مبارزاتی مشترک هم نداشته اند، اصولاً ممکن نیست و نباید به هیچ نحوی از انحا در نوشته تصرف نموده و به انجام اصلاحاتی در آن متوسل گردند."

بیانیه نویسان مدعی هستند که نوشته نویسنده را مطالعه کرده اند؛ لیکن ملاحظه می‌شود که به محتوی آن توجهی نکرده اند و یا اینکه نتوانسته اند فرق بین مارکسیسم انقلابی و اپورتونیسم را بنمایند. درحالی‌که موارد انحرافی غلیظ و دروغ‌پردازانه و توطئه‌گرانه و تخریب‌کاریها علیه جنبش انقلابی پرولتری کشور در این نوشته بوضوح آشکار است. همچنین اینها در برابرین موضوع که نویسنده از آنها خواستار اصلاحات در نوشته اش شده است؛ اینها فقط به این بسنده می‌کنند که نوشته تبلور دیدگاه‌ها و مواضع شخصی شما است، به هیچ نحوی در نوشته شما به تصرف و اصلاحات متوسل نمی‌شویم.

درحالی‌که فردی و یا گروهی که مدعی انقلابی پرولتری است، اصولاً وظیفه دارد تا در برابر نظرات و مواضع اشتباهی و انحرافی فردی و یا گروهی در جنبش انقلابی پرولتری کشور و همچنین در جنبش انقلابی پرولتری جهانی و عبارات دیگر در برابر اپورتونیسم و ریزیونیسم از هر نوع سکوت و پرده‌پوشی بپرهیزد. ولی جمع «انقلابی» حتی حاضر نمی‌شوند در برابر نویسنده از انحرافات اپورتونیستی غلیظ او در نوشته اش کوچکترین اظهار نظری بنمایند. و بزعم شان باین عبارت گردن خلاصی می‌کنند که ما روی چنین ملحوظاتی که در فوق ذکرش رفت به تصرف و اصلاحات متوسل نمی‌شویم. درحالی‌که نقد یک نوشته تا تصرف و اصلاحات در آن متفاوت است. این جمع اگر واقعاً انقلابی پرولتری باشند حتی باید به نویسنده تذکارتی دادند که در نوشته اش موارد انحرافی کم نیست و محتاج یک نقد اصولی دارد و در این مدت به آن اقدام می‌نمودند. ملاحظه می‌شود که این آقایان باین شیوه برخورد علیه نقد اصولی ما و پاسخ این چنینی در برابر نویسنده ماهیت فکری و سیاسی شان را بیش از قبل برملا کرده اند. و این «بیانیه» گویاترین سند دفاع آنها از نظرات و مواضع انحرافی نویسنده این "نوشته" (803 صفحه‌ای) است. آقایان! شما با هر حیل و نیرنگی که متوسل شوید تا خود را «حق بجانب» جلوه دهید، برای شما مقدور نیست. کمونیستهای انقلابی درباره محتوی این "نوشته" و موضع دفاعی شما قضاوت اصولی خواهند کرد. از اینکه شما نقد این نوشته را منوط به "اراده مستقیم و انتشار رسمی و علنی این نوشته توسط نویسنده آن می‌نمایید"؛ آگاهانه و غیر اصولی از افشای ماهیت انحرافی محتوی این "نوشته" طفره می‌روید.

در صفحه دوم «بیانیه» چنین می‌خوانیم: "یکی از رفقای "جمع" انتشاردهنده بیانیه کنونی، البته برخلاف تصمیم قبلی و تأکیدی که بر آن صورت گرفته بود، نوشته "جنبش انقلابی پرولتری..." را متأسفانه بطور خود سرانه و غیرمسئولانه، در خارج از محدوده همین "جمع"، یعنی در دسترس یکی از رفقای جنبش انقلابی قرار داده که او هم بنوبه خودش، نوشته مزبور را به "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م ل م)" می‌فرستد؛ به محض اطلاع از این امر، رفیق مورد نظر بدلیل نقض اصول و اراده

جمعی، نکوهش و انتقاد گردید که نامبرده هم، متوجه اصل مسئله شده و از عمل خودش انتقاد نموده است؛ جریان بلافاصله به اطلاع رفیق نویسنده رسانیده شد.

باز هم دروغ و بازهم خلاف گوئی؛ ولوهمین رفیق بقول اعلامیه نویسان بطور «خودسرانه و غیرمسئولانه» (که اطلاق چنین کلمات تحقیرآمیز به رفیق همسنگرشان در «جبهه...» خود بیانگر سطح فرهنگی این جمع باصطلاح «انقلابی» است) درموردش و «نوشته» را بالواسطه بدسترس ما قرارداد است و بعد از اینکه مورد نکوهش و انتقاد «رفقای» جمع «انقلابی» قرار گرفته و نسبت به این عمل «از خود انتقاد» کرده است؛ حد اقل باید موضوع را به اطلاع همان رفیقی که نوشته را برایش فرستاده بود، می رساند. وما هم اکنون با اطمینان قبول می کردیم که گویا این رفیق از این عملکرد اش پشیمان است. درحالیکه واقعیت خلاف چیزی است که این جمع «انقلابی» مدعی آن هستند. وطوریکه بعداً ثابت شد رفیق مزبور (یکی از فعالین جنبش انقلابی پرولتری- م ل م- کشور است که فعالیت مبارزاتی وی از دهه چهل شمسی آغاز شده است) از این عملش اظهارپشیمانی نکرده و بدرستی آنرا اصولی می داند. همچنین این جمع مدعی است که «رفیق» شان با این عمل اصول اراده این جمع را نقض کرده است؛ درحالیکه بلعکس نقض اصول واراده چنین "جمع" غیراصولی، درموردش عین رعایت اصول انقلابی پرولتری است.

در صفحه دوم «اعلامیه» جمع انقلابی می نویسند که: "مفاهمه رفیقی از "جمع" انتشار دهندگان بیانیه بامسئول آن "گروه..."، سرانجام به این توافق منتهی گردید که "گروه..." مذکور، تا تصمیم شخص نویسنده نوشته "جنبش انقلابی پرولتاریا..." مبتنی بر انتشاری عدم انتشار علنی آن از نشر اصل نوشته خودداری نموده و تنها به انتشار موضعگیری خودش و آنهم باتمکین بر رعایت عفت کلام و دوری گزینی از برخوردهای شخصی، اکتفا نماید."

در اینجا نویسندگان «اعلامیه» ظاهراً به اصل نشر نقد این "نوشته" مخالفتی نشان نداده و مدعی اند که گویا در نقد ما «عفت کلام» رعایت نشده و «برخوردهای شخصی» صورت گرفته است. از این آقایان سؤال می کنیم که در کدام مورد از نقد ما «عفت کلام» رعایت نشده و یا در برابر نویسنده این نوشته «برخورد شخصی» صورت گرفته است؟ اگر شما در این نقد مختصر ما (که البته آنهم مورد «انتقاد» شماست که در برابر یک نوشته بسیار مفصل و طولانی- 803- صفحه ای کافی نیست؛ زیرا شما یک نوشته رانه بر اساس محتوی و مضمون آن که بر اساس تعداد صفحات آن مورد ارزیابی قرارداد و تعیین مقدار و کیفیت می کنید)؛ به مواردی برخورد کرده اید که مشخصه ماهیت انحراف نویسنده و یا نوعیت برخورد آن در برابر مسایل و قضایای مختلف مطابق به واقعیت آنها تعریف و توضیح شده اند و شما آنها را عدم رعایت «عفت کلام» و یا «برخوردهای شخصی» می پندارید، به طرز فکر و قضاوت خود شما مربوط است. ما هیچ گاهی بانویسنده درگیری شخص نداشته و نداریم و نظریه طولانی بودن سابقه او در جنبش چپ کشور زمانی به او احترام رفیقانه داشتیم و حال هم تاجای که به شخص او مربوط است به او احترام داریم. اما زمانیکه ماهیت انحرافی ایدئولوژیک سیاسی و موضعگیریهای غیر پرولتری او سیاسی و حملات خصمانه او را علیه جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) نقد کرده و پاسخ داده ایم. و این امر وظیفه و رسالت مبارزاتی مارا تشکیل می داد و می دهد و در آینده هم چنین خواهد بود. زیرا بدون مبارزه علیه اپورتونیزم و افشای همه جانبه چهره آن که به الوان و خرامهای گوناگون در جنبش انقلابی پرولتری ظاهر می گردد؛ مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تحقق امر انقلاب مردم ممکن نیست.

اما نویسندگان «بیانیه» چند سطر پائینتر چنین ابراز نظری نمایند: "تازمانیکه نوشته" جنبش انقلابی پرولتاریا... "انتشار رسمی و علنی نیافته است، در حکم یک نوشته یا یک سند شخصی تلقی گردیده که نمی توان و نباید بر حریم آن وارد شد؛ نادیده انگاشتن همین مسئله و افشاگری در این خصوص، به معنای نگرش و عملی مغایر با پرنسیپ های پسندیده و وحدت طلبانه انقلابی خواهد بود؛ ازینجاست که "جمع" ناشرین بیانیه، از یک چنین رویکردی نیز بدینوسیله انتقاد کرده و مبادرت بدان را در حکم امری می دانند، که می تواند با سابقه حس انتقام جویی و شهرت طلبی های خرده بورژوازی بظهور رسد!"

نویسندگان «بیانیه» به دفاع از نویسنده و نوشته اش برخاسته و نقد اصولی مارا «مغایر پرنسپ های پسندیده و وحدت طلبانه انقلابی» خودشان دانسته اند. در حالیکه به حکم دیالکتیک ماتریالیستی و اتخاذ شیوه وحدت طلبانه در جنبش انقلابی پرولتری، اصل رعایت اصول و احکام علم انقلاب پرولتری است. از این طریق و باین شیوه است که میتوان بر انواع اپورتونیسیم و رویزیونیسم فایق آمده و بخشهای اصولی و انقلابی جنبش انقلابی پرولتری را بهم نزدیک کرده و زمینه یک وحدت اصولی و دیالکتیکی را در جهت ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر فراهم کرد. ولی شیوه وحدت طلبی از دید اپورتونیستها و رویزیونیستهای رنگارنگ ماهیت دیگری دارد؛ یعنی اتخاذ شیوه های میکانیکی، تمکین به پرنسپ های مفلوک بورژوائی و خرده بورژوائی، ماست مالی کردن اختلافات، پرده انداختن روی اشتباهات و انحرافات و عدم رعایت اصل انتقاد و انتقاد از خود تا جهت یا جهت های معینی از آنها نرنجند. همین سوپرکتیویسم و یک جانبه نگری این آقایان در دفاع از این "نوشته" و نادیده گرفتن ماهیت اصولی این نقد و حمله خصمانه بر ما؛ خود نمایندگی از ماهیت فکری و سیاسی انحرافی و خرده بورژوائی این "جمع" باصطلاح «انقلابی» می نماید.

همچنین نویسندگان «بیانیه» نقداً را که یکبار دیگر ماهیت اپورتونیستی نویسنده را بر ملا ساخته ایم، «سابقه حس انتقام جویی و شهرت طلبی های خرده بورژوازی» ارزیابی کرده اند! آقایان! اگر شما و نویسنده این "نوشته" هزار بار علیه ما و راجی نموده و یاوه سرانی نمایید؛ ما هم با مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، به افشای ماهیت انواع اپورتونیسیم و رویزیونیسم ادامه می دهیم. ماسعی می کنیم تا با مبارزه اصولی و انقلابی خط انقلابی پرولتری (م ل م) را از لوث انواع اپورتونیسیم و رویزیونیسم، تروتسکیسم، سوسیال دموکراسی، یوروکمونیسم و کمونیسم کارگری منزه کرده و از این طریق خط و جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) را استحکام مزید بخشیم. ولی بوضوح دیده می شود که نویسنده و شما سعی دارید تا اندیشه های مارکسیسم انقلابی را تغییر ماهیت داده و آنرا با لژن اپورتونیسیم و رویزیونیسم آلوده کرده و به توده های مردم ارایه دهید. ما از خط انقلابی پرولتری (م ل م) دفاع می نماییم و شما از خط اپورتونیستی تمام عیار به دفاع برخاسته اید. اگر ما در نقد خود مانند گذشته ماهیت خط اپورتونیستی رویزیونیستی نویسنده را با در نظر داشت اسناد منتشره و عملکردهای آن و مطالعه سند کنونی آن ثابت و افشا کرده ایم؛ لیکن شما بدون ارایه هیچ گونه سند و مدرکی با اغماض از همه حقایق مسلم بخاطر ارضای خاطر خود و دلخوشی نویسنده نوشته (803 صفحه ای)، نقد مارا «عقد گشائی» ارزیابی کرده اید! در حالیکه این گونه برخورد ها از یک "جمع" در مانده و دنباله رو اپورتونیسیم برمی آید. شما درسنگر دفاع از خط انحرافی نویسنده، مارا «عقد مند» خوانده اید؛ در حالیکه این عقد مندی باید در نویسنده و شما مدافعین پروپاقرص آن وجود داشته باشد؛ زیرا این نقد، شما و نویسنده را هیچانی ساخته است. بعبارت دیگر در این میان کدام طرف باید عقد مندی داشته باشد؛ بیقین طرفی که از این نقد اصولی صدمه دیده است. زیرا هر پدیده و هر موضوع علتی دارد. و علت برخورد این چنینی شما علیه نقد اصولی ما گویای این واقعیت است. اگر نویسنده و شما از افشای نقطه نظرات و مواضع خود وحشت ندارید چرا این قدر هیاهو براه انداخته و به ناسزاگویی منهمک شده اید؟

آقایان اعلامیه نویس! خاطر شما جمع باشد؛ شما با این هوچیگریها و توهین ها در برابر ناقدین افکار و نظریات و مواضع انحرافی نویسنده نمی توانید وی را از این منجلاب نجات دهید؛ زیرا اوسالهاست که در منجلاب انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی قرار دارد. و این بار نیز سر از منجلاب برآورده و خواسته است تا یکبار دیگر افکار و نظریات رویزیونیستی اش را مطرح کرده و حقانیت جنبش انقلابی پرولتری (م ل م) کشور را بزیر سؤال ببرد. و در عمل دیده شد که در این اقدام شما نیز متحد و همکار نزدیک وی هستید.

نویسندگان «بیانیه» در صفحه دوم بیانیه شان: "...اطلاق اتهاماتی خرده بورژوا مآبانه همچون" رویزیونیسم" و اهانت های شخصی رابه نویسنده "نوشته" به سود جنبش و مبارزه انقلابی نمی دانند". اگرچه قبلاً باین موضوع پرداخته شد؛ لیکن برخلاف نظراینها که (در هر پراگرافی برای جلب توجه خوانندگان عبارت «اهانت شخصی» از طرف ما به نویسنده را علاوه کرده و بجای نویسنده مظلوم نمائی کرده اند)؛ ما برای توضیح هر انحرافی باید طبیعت و ماهیت آن انحراف را مشخص کنیم و ما که چنین

عمل کرده ایم نویسندگان «اعلامیه» آنرا «اهانت شخصی» به نویسنده تلقی کرده و شیوه نقدمارا «متمدنانه» نمی دانند. ونظردارند که این شیوه انتقاد به سود جنبش ومبارزه انقلابی نمی باشد. نخیراقایان! ما می گوئیم که انتقادبه شیوه ای موردنظرشما(اتحاد موضع دفاعی دربرابریک نوشته سراپا اپورتونیستی) نه اینکه بسود جنبش انقلابی پرولتری کشورنیست که شدیداً آنراصدمه زده وبه منجلاب می کشاند. درهمینجا دو خط دربرابره هم قراردارند؛ یکی خط دفاع ازانقلاب پرولتری (م ل م) بوسیله ما ودیگری خط دفاع ازاپورتونیسم وروزیونیسم بوسیله نویسنده وشما اعلامیه نویسان. وبیانیه نویسان ونویسنده سخت درتلاش هستند تا خط اپورتونیستی خودرا«انقلابی» جابزنند.همچنین نویسندگان«بیانیه» شاکی اند که ما با افشای ماهیت انحرافات اپورتونیستی وروزیونیستی نویسنده گویا به او اهانت رواداشته ایم. درحالیکه ما درنقد خود، نقطه نظرات وموضعگیریهای انحرافی نویسنده درباره جنبش انقلابی پرولتری کشوررا با همان ماهیت وصفات مشخصه انحرافات اوتوضیح وتعریف کرده ایم. پس ما اوصاف وخصایل نادرست وانحرافی سیاسی وفکری نویسنده را که مدعی مبارزه انقلابی پرولتری است، چگونه وباچه الفاظی بیان می نمودیم که ازنظرنویسنده وجمع «انقلابی» مدافع او«متمدنانه» می بود وموجب رنجش خاطرشان نمی گردید؟ اما نقدی که برمینای دیالکتیک ماتریالیستی وبه شیوه مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی نباشد؛ یک نقد به شیوه انحرافی و لیبرالیستی خواهد بود که هرمارکسیست- لنینیست انقلابی ای آنرا مردود می داند.

درصفحه سوم «بیانیه» می خوانیم: "... تمکین انصراف ناپذیربه نقدعلمی دیالکتیکی وشرافتمندانه همه آن نارسائی های گذشته درتمامی ابعاد مبارزه انقلابی...ازجمله اجتناب ازاتهام زنی های مروج درهمین ساحت- رالزامی سازد که تاریخ هم،مسئولیت چنین وظیفه بسا سنگین تر ازگذشته وبس سترگی را، اینک برعهده رهروان فرهیخته، متعهد، ازخودگذر، صادق ووفاشعارشان گذارده است....".

نویسندگان این«بیانیه» سعی کرده اند تا باسرهمبندی جملات بظاهر«زیبا ودلفریب» بیانیه شانرا تزئین کنند؛ ولی آنچه که درآن دیده نمی شود حقیقت، شم انقلابی وصدافت است. درحالیکه صحبت از"تمکین انصراف ناپذیربه نقددیالکتیکی وشرافتمندانه» دارند؛ ولی خودآنها کوچکترین توجهی به سابقه انحرافی نویسنده درجنبش پرولتری کشوردرگذشته وانحرافات انکارناپذیردرسند کنونی اش نکرده ویک جانبه بدفاع ازآن برخاسته اند. ازآنجاییکه مقوله "شرافت" هم درموردش ماهیت طبقاتی دارد وبرمینای ماهیت وسرشت هرطبقه اجتماعی وهرفرد وتشکل سیاسی مورد ارزیابی قرار می گیرد؛ ازاینروشرافت طبقات استنمارگروستمگروگروه های سیاسی وفرهنگی مدافع منافع آنها باشرافت طبقات خلق ستمکش وبهره ده وگروه های سیاسی وفرهنگی مدافع منافع آنان نه اینکه یکسان نیست که متضادم هست. به همین صورت شرافت یک فرد ویایک گروه اپورتونیست وروزیونیست که برضد منافع مردم عمل می کند ، باشرافت یک فرد ویایک گروه انقلابی پرولتری که درجهت دفاع ازمنافع مردم قراردارد یکسان نمی باشد. بعبارت دیگرهمان طوریکه دریک جامعه طبقاتی درباره طبقات مختلف اجتماعی وسازمانها، گروه ها وافراد ازروی نظریات ومواضع سیاسی و عملکردهای آنها قضاوت صورت می گیرد؛ درمورد "ارزشهای اخلاقی و شرافت" طبقات وافراد نیزملاک قضاوت همین است.